

A Comparative Study of the Condition of Sexual Disobedience of the Wife in Marriage Contract from the Perspective of Islamic Denominations and Its Effect on the Dissolution of Families¹

Ārizū Rashīdī *

Farzād Pārsā ** Muḥammad ‘Alī Hiydarī ***

(Received: 02/17/2020; Accepted: 06/03/2020)

Abstract

Marriage, like other contracts, has different effects, the most fundamental of which is undoubtedly the right to sexual pleasure. Because the requirement of marriage contract is the formation of a family and the establishment of a marital relationship is one of its main consequences. The condition of sexual disobedience negates the apparent and desirable effect of marriage contract and contradicts its customary meaning. This study examines the views of the five denominations in reviewing the condition of sexual disobedience in the marriage contract and considers sexual obedience as a requirement of the nature of the contract and not a requirement of its absoluteness (*Iṭlāq*). Furthermore, it examines the requirement of the nature of marriage contract and the validity or non-validity of the condition of sexual disobedience from the perspective of Islamic denominations and scrutinizes the opinions of psychologists on the destructive effects of not having a marital relationship on the part of women.

Keywords: Condition, Marriage, Sexual Obedience, Requirement of Contract, Family.

1. This article is taken from: Ārizū Rashīdī, "Conditions for Marriage Contrary to the Requirements of the Nature of the Contract in Islamic Denominations' Jurisprudence", 2018, PhD thesis, Supervisor: Farzād Pārsā, Advisor: Muḥammad ‘Alī Hiydarī, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

* PhD Graduate in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author), arezaorashidi92@gmail.com.

** Associate Professor, Department of Shāfi‘ī Jurisprudence and Law, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran, f.parsa@uok.ac.ir.

*** Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Azad University, Najafabad, Iran, phu@iaun.ac.ir.

بررسی تطبیقی شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی و تأثیر آن بر انحلال خانواده‌ها^۱

آرزو رشیدی*

فرزاد پارسا**

محمدعلی حیدری***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۴]

چکیده

عقد نکاح، مانند سایر عقود، آثار متفاوتی به دنبال دارد که بی‌شک بنیادی‌ترین آنها حق تمتع جنسی است. چون مقتضای عقد نکاح، تشکیل خانواده است و ایجاد رابطه زوجیت یکی از اصلی‌ترین آثار مربوط به مقتضای است. شرط تمکین نکردن، اثر ظاهری و مطلوب عقد نکاح را نفی می‌کند و با مفهوم عرفی‌اش مغایرت دارد. این پژوهش دیدگاه مذاهب پنج‌گانه در مرور شرط تمکین نکردن در عقد نکاح را بررسی می‌کند و تمکین را مقتضای ذات عقد نکاح می‌داند نه مقتضای اطلاق عقد نکاح. همچنین، مقتضای ذات عقد نکاح و صحیح بودن یا نبودن شرط تمکین نکردن را از دیدگاه مذاهب اسلامی می‌کاود و عقاید روان‌شناسان را درباره تأثیرات مخرب نداشتن رابطه زناشویی از ناحیه زن بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شرط، نکاح، تمکین، مقتضای عقد، خانواده.

۱. مقاله برگرفته از: آرزو رشیدی، «شروط ضمن عقد نکاح مخالف با مقتضای ذات عقد در فقه مذاهب اسلامی»، رساله دکتری، استاد راهنما: فرزاد پارسا، استاد مشاور: محمدعلی حیدری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، ۱۳۹۷.

** دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)
arezaorashidi92@gmail.com

*** دانشیار گروه فقه و حقوق شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران f.parsa@uok.ac.ir

*** دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد، نجف‌آباد، ایران phu@iaun.ac.ir

مقدمه

عقد نکاح در فقه اسلامی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد و همچون سایر عقود از لحاظ ارکان و شرایط صحت از احکام و قواعد یکسانی پیروی می‌کند. ولی چون هدف از عقد نکاح تشکیل خانواده و مشارکت در زندگی است و اساساً قراردادی غیرمالی است، چه بسا قواعد قراردادهای مالی درباره نکاح اجرایی نباشد. همچنین، در نکاح طرفین اختیار تام ندارند. زیرا بسیاری از قواعد حاکم بر آن از جمله قواعد امری محسوب می‌شود. همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت طرفین شکل می‌گیرد و حقوق و تکالیفشان در مقابل همدیگر برقرار می‌شود. از جمله این آثار، تمکین است که جزء حقوق هر دو طرف محسوب می‌شود. تمکینی که در این مقاله بررسی شده، تمکین خاص زوجه از زوج است. بدین معنا که در صورت فقدان تمکین (خاص)، یعنی ترک رابطه زناشویی از ناحیه زوجه چه تأثیرات فقهی و حقوقی‌ای به دنبال دارد. چون طبق عقاید فقها و حقوق‌دانان چنین عملی خلاف مقتضای ذات عقد نکاح محسوب می‌شود. تحقیقات روان‌شناسان نشان می‌دهد صمیمیت جنسی با صمیمیت عاطفی ارتباط مستقیم دارد (افروز، ۱۳۸۶). همچنین، مشکلات جنسی به‌سادگی در متن رابطه زناشویی سست و لرزان پدیدار می‌شود (Rosen-Grandon and et al, 2004). بر اساس این نظریه، فقدان توافق جنسی زوجین اولین و مهم‌ترین عامل طلاق است. جوهر این نظریه بر این اصل استوار است که از میان تمام عواملی که در پس مشکلات خانوادگی، به‌ویژه مشکلات منجر به طلاق، وجود دارد فقدان کامیابی جنسی است که بر دیگر عوامل تقدم دارد (تقی‌یار، پهلوان‌زاده و سماوی، ۱۳۹۵). نبودن رابطه جنسی مناسب زمینه را برای دامن‌زدن به مشکلات جزئی و تبدیل آن به مشکلات بزرگ فراهم می‌کند. هیچ عاملی به اندازه فقدان رضایت جنسی زناشویی نمی‌تواند سبب فروپاشی خانواده شود تا جایی که بسیاری از کارشناسان ایرانی و لیوپومیرسکی معتقدند ۵۰ الی ۶۰ درصد طلاق‌های صورت‌گرفته به علت مشکلات و اختلالات جنسی است (حجت‌پناه و رنجبر کهن، ۱۳۹۲).

بنابراین، آنچه در این نوشتار بررسی شده بی‌اعتباری فعلیت یافتن تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح دائم است. کوشیده‌ایم با استناد به دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی و حقوق‌دانان و پژوهش‌های صورت‌گرفته و با عنایت به نظر فقیهان و فتاوایی که فعلیت یافتن تمکین نکردن یا شرط تمکین نکردن در نکاح را باطل نمی‌دانند، و موجب

بطلان عقد نکاح به شمار نمی‌آورند یا شرط را باطل می‌دانند، اما موجب بطلان عقد نکاح نمی‌دانند، مسئله را بکاویم و با دلایل واضح و مستند، باطل بودن تمکین نکردن زوجه را، که موجب بطلان نکاح می‌شود، اثبات کنیم. با تفحص در دیدگاه‌های روان‌شناسان، صاحب‌نظران و مشاوران روان‌درمانی خانواده، به این نتیجه رسیده‌ایم که تحکیم خانواده، رابطه بسیار تنگاتنگ و عمیقی با حفظ و تداوم روابط زناشویی دارد و عامل بسیاری از طلاق‌ها، جدایی‌ها و مشاجرات ناشی از فقدان رابطه زناشویی یا کم‌رنگ شدن آن و اهمیت ندادن به چنین رابطه‌ای است. لذا بطلان چنین عملی در عقد نکاح به تأیید و تأکید بیشتری از دیدگاه فقهی و روان‌درمانی خانواده منتهی می‌شود. در نتیجه پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که: آیا تمکین نکردن زوجه باطل است و موجب بطلان نکاح می‌شود؟ به عبارتی، آیا فقدان رابطه زناشویی در خانواده انحلال و اضمحلال خانواده‌ها را به دنبال دارد؟

بنا به طبیعت موضوع، روش این پژوهش مبتنی بر تحلیل و توصیف است. به این صورت که اطلاعات و یافته‌های لازم و مرتبط، از منابع معتبر مذاهب اسلامی و علم حقوق گردآوری شده و بعد از بررسی و مقایسه نظریه‌های فقهی، وجوه اشتراک و افتراق آنها تبیین، و پس از آن نظر راجح بیان شده است. همچنین، عناوین اصلی و کلیات بحث توصیف شده، و درون‌مایه آنها در فرآیندی کیفی و با به‌کار بستن سنجه‌ها و قواعد فقهی و دیدگاه‌های روان‌شناسی تحلیل و ارزیابی شده است.

۱. معنا و ماهیت‌شناسی «شرط»

«شرط» واژه‌ای عربی است که گاه در معنای مصدری و گاه در معنای اسمی به کار می‌رود و از نظر لغوی به معنای علامت و نشانه، مطلق الزام و التزام و به معنای عهد و پیمان هم به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴۲۱۶-۱۴۲۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱؛ صاحب بن عباد، بی‌تا: ۱۵۷۰؛ الکاسانی، ۱۹۸۹: ۱۷۲؛ جرجانی، ۱۴۱۹: ۴۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۳۳۰؛ رازی، ۱۴۱۵: ۲۸۱)؛ و از دیدگاه حنفیه نیز شرط به معنای علامت و نشانه آمده است (الکاسانی، ۱۹۸۹: ۱۷۲؛ جرجانی، ۱۴۱۹: ۴۱). شرط همان تعهدی است که در ضمن عقد درج شده است، به نحوی که یکی از متقاعدین، انجام‌دادن کار، یا نتیجه عقد دیگر یا وصف خاصی را از طرف مقابل می‌خواهد و او آن را می‌پذیرد (زحیلی، ۱۹۸۹: ۷۰؛ الزیدان، ۱۴۱۷: ۵۹). شافعیه ظاهراً

معنای اصلی آن را همان معنای نخست دانسته‌اند و سپس در معانی دیگر نیز به کار برده‌اند (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲۶۰؛ بهوتی، ۱۴۱۸: ۳۷؛ ازهری، بی‌تا: ۸۶؛ شربینی، ۱۹۹۵: ۵۲)؛ و از نظر فقهی به این معنا است که: «در صورت وجود آن، حکم از نظر وجودی به مشروط اضافه می‌شود نه به صورت وجوبی. به موجب این تعریف، ادله لزوم وفای به شرط همان‌طور که شامل ضمن عقد می‌شود، شروط ابتدایی غیرمندرج در عقد را در نیز در بر می‌گیرد» (انصاری، ۱۴۱۰، ۲۱۵؛ زحیلی، ۱۹۸۹: ۶۹). و از نظر اصولی، «شرط» آن است که از وجود مشروط وجود شرط لازم می‌آید اما از وجود شرط وجود مشروط لازم نمی‌آید و در آن مؤثر نیست (زیدان، ۱۴۱۷: ۵۹؛ حلی، بی‌تا: ۱۳۷). در آیات و احادیث هم، به معنای عهد و پیمان آمده است (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۹؛ مالک، بی‌تا: ۳۱۱). حنابله و مالکی معتقدند از وجود شرط، وجود مشروط لازم نمی‌آید و در آن مؤثر نیست، یا گفته‌اند شرط آن است که تأثیر مؤثر بر آن متوقف است (زیدان، ۱۴۱۷: ۵۹؛ دسوقی، بی‌تا: ۱۹۵؛ ابن مودود، بی‌تا: ۸۳).

۱. ۱. شرایط صحت شرط

علما شرایطی را برای صحت شروط در نظر گرفته‌اند و زمانی شرط را صحیح و لازم‌الاجرا می‌دانند که دارای این اوصاف باشد. هرچند اختلافاتی بین فقها وجود دارد، اما اوصافی را ذکر می‌کنیم که تقریباً در آن اتفاق نظر دارند و اختلافی در لزوم وجود این اوصاف نیست.

۱. **مخالف کتاب و سنت نباشد؛** شرط نباید با احکام خدا منافات داشته باشد و اختلاف‌داشتن و توافق‌نداشتن شرط با دستورهای خدا و روایات سبب می‌شود شرط، اجراشدنی نباشد. شرط باید حلال و حرام تعیین شده از ناحیه خدا را رعایت کند، در غیر این صورت باطل و مبطل محسوب می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۵۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۲۲۰/۹؛ شرتونی، ۱۳۹۸: ۸۹).

۲. **مقدور باشد؛** یعنی اگر عمل به مفاد شرط ضمن عقد برای مشروط علیه، هرچند با واسطه مقدور نباشد، آن شرط باطل است. پس شرط باید به گونه‌ای باشد که طرفین عقد قادر به انجام‌دادنش باشند (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۶۷؛ انصاری، ۱۴۱۰: ۲۷۳؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۱۹۰؛ زحیلی، ۱۹۸۹: ۷۰/۲).

۳. **منفعت و هدف عقلایی داشته باشد؛** شرط باید هدف و منفعتی معقول داشته باشد. اگر هیچ‌گونه منفعت عقلایی، حتی برای مشروطه، نداشته باشد باطل است. چون شرع آن را اجراءشده نمی‌داند (تسخیری، ۲۰۰۶: ۲۱۷۰/۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۸۴).

۴. **مخالف مقتضای ذات عقد نباشد؛** فقها گفته‌اند شرط نباید منافاتی با اثر اصلی عقد داشته باشد و عقدی در تثبیت و تحکیم و تحقق دارای آثار است که بر حسب عرف و قصد مشترک و شرع و قانون تعریف‌پذیر باشد. از این‌رو فقها و حقوق‌دانان بطلان شرط خلاف مقتضیات ذات عقد را پذیرفته‌اند (نجفی، ۱۴۱۲: ۱۹۲؛ انصاری، ۱۴۱۰: ۲۸۱؛ الازهری، بی‌تا: ۸۶؛ جوهری، بی‌تا: ۲۵۳؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۲۵۴؛ زیدان، ۱۴۱۷: ۵۹؛ زحیلی، ۱۹۸۹: ۲۰۱).

۵. **مجهول نباشد؛** شامل شروطی می‌شود که جهل به آنها موجب جهل به عوضین است (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۹).

۶. **منجز باشد؛** یعنی به طور قطعی عقد را منعقد کند و آن را معلق نسازد. همه فقها چنین شرطی را باطل می‌دانند (خویی، ۱۴۱۰: ۴۲/۲؛ انصاری، ۱۴۱۰: ۲۷۲؛ کاسانی، ۱۹۸۹: ۱۶۸/۵؛ دردیری، بی‌تا: ۳۰۹/۳-۳۱۰؛ ابن‌رشد، ۱۴۲۳: ۵۴۴/۲؛ شربینی، ۱۹۹۵: ۳۰/۲-۳۳؛ زحیلی، ۱۹۸۹: ۳۴۷۵/۵-۳۴۷۶).

۲. ۱. معیار تمییز مقتضای عقد

اثر مستقیم، بی‌واسطه و اولیه هر عقدی را مقتضای ذات آن عقد می‌گویند. تشخیص ماهیت برخی از عقود مثل بیع و اجاره آسان است، اما راجع به عقد نکاح نیازمند تدقیق بیشتری است. اختلاف در فتاوی‌ای فقها گاه از همین جا نشئت می‌گیرد. به طور کلی، معیار و ملاک تمییز مقتضای ذات عقد از دیدگاه فقیهان به شرح زیر است.

۱. تعدادی از فقها برای تشخیص مقتضای هر عقدی به عرف و فرهنگ آن جامعه توجه می‌کنند و آن را مبنای اساس تمییز می‌دانند. چون مردم در هر مکان جغرافیایی و در زمان‌های مختلف خواسته‌های جدید و متمایز از گذشته برای منعقد کردن عقود خود دارند. لذا عرف بهره‌اساسی و اصلی محسوب می‌شود (کاسانی، ۱۹۸۹: ۱۶۸؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۳؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۱۵۲).

۲. برخی دیگر ملاک تمییز مقتضای هر عقد را اثر شارع یا قانون‌گذار می‌دانند؛ یعنی اثری که شارع یا قانون‌گذار برای هر عقدی در نظر گرفته‌اند و شرط خلاف آن را باطل

بررسی تطبیقی شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی و ... / ۱۲۳

می‌دانند (تسخیری، ۲۰۰۶: ۲۰۷).

۳. جمعی دیگر برای تمییز مقتضای ذات عقد به قصد مشترک طرفین روی آورده‌اند. یعنی آنچه طرفین در هنگام منعقد کردن معامله آن را انشاء می‌کنند و موضوع توافق و مصالحه قرار می‌گیرد (نائینی، ۱۳۷۳: ۱۱۲؛ ابن‌قدامه، ۱۳۹۹: ۲۰).

۴. تعدادی دیگر از فقها برای تشخیص، دو اصل شرع و عرف را توأمان در نظر گرفته‌اند. البته گاهی عرف اموری را قبول دارد که خلاف قانون و شرع است. لذا در این بحث به اشتراکات قانون و عرف توجه می‌شود (انصاری، ۱۴۱۰: ۲۶؛ دسوقی، بی تا: ۱۹۰).

فقه‌های حنفیه، شرط باطل و مبطل عقد را شرط کردن چیزی می‌دانند که با مقتضای عقد سازگار نباشد و در عرف هم جاری نباشد و در شرع نیز بر جواز آن وارد نشده نباشد (کاسانی، ۱۹۸۹: ۱۶۸؛ بابرته، بی تا: ۷۶). مرغینانی نیز در کتاب *الهدایة* می‌گوید هر شرطی که عقد آن را اقتضا نکند و در آن شرط منفعتی برای یکی از طرفین عقد یا معقودعلیه نباشد آن را باطل می‌دانند (مرغینانی، بی تا: ۷۶). درباره مقتضیات عقد، توضیحات در مذهب مالکیه همانند مذهب حنفیه است (شاطبی، بی تا: ۲۸۳؛ مالک، بی تا الف: ۱۳۲). ابواسحاق شیرازی نیز در مذهب شافعی می‌گوید اگر در عقد شرطی قرار داده شود که مقتضای عقد نیست و مصلحتی در آن نباشد بلکه مخالف مقتضای عقد باشد، باطل است و عقد را نیز باطل می‌کند (شیرازی، بی تا، ۳۶۱؛ شربینی، ۱۹۹۵: ۳۱؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۲۱). در مذهب حنبلی ضابطه شرط مخالف با مقتضای عقد را منحصر کرده‌اند در ایجاد نقض در مقصود اصلی عقد، مانند اینکه در عقد ازدواج از تمتعات جنسی حاصل نشود. چنین شرطی عقد را باطل می‌کند. زیرا با یکی از اهداف اصلی ازدواج، یعنی استمتاع، منافات دارد (زحیلی، ۱۹۸۹: ۵۶۴؛ جوهری، بی تا: ۳۸۰).

۳.۱. تعیین مقتضای ذات عقد نکاح و نسبت آن با تمکین

تعیین مقتضای پاره‌ای از عقود آسان است؛ زیرا غرض و اثر اصلی عقد را به روشنی می‌توان تمییز داد. به نظر می‌رسد از دیدگاه شافعی، عقد نکاح، مانند سایر عقود، آثار متفاوتی به دنبال خود دارد. بدون شک تمکین از اساسی‌ترین آنها به شمار می‌رود (شربینی، ۱۹۹۵: ۵۳؛ کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۴۴). پس هدف و مضمون اصلی عقد نکاح تحقق «رابطه زوجیت» است و عرف نیز غالباً تمکین زوجه را یکی از اهداف اساسی نکاح می‌دانند

(کاسانی، ۱۹۸۹: ۱۶۸؛ بابتی، بی تا: ۷۶-۷۸). بنابراین، مقتضی عقد نکاح تشکیل خانواده و زندگی مشترک است و به دنبال این مقتضی آثاری ایجاد می شود که شرط خلاف پاره‌ای از آنها، باعث بطلان عقد می شود، مانند شرط نزدیکی نکردن؛ و بعضی از آنها باعث بطلان عقد نمی شود، مثل اینکه شرط شود حق تعیین رابطه جنسی با زن باشد، که این شرط موجب بطلان نکاح نمی شود. بنابراین، طبق مذاهب مالکی، حنبلی و حنفی می توان گفت مقتضی عقد نکاح تشکیل نهاد خانواده است و حق بهره‌وری جنسی اساسی ترین اثر این مقتضی محسوب می شود (ابن قدامه، ۱۳۹۹: ۱۹۷)، که شرط خلاف این اثر عقد را باطل می کند (خرشی، بی تا: ۲۷۰).

۲. مفهوم‌شناسی «نکاح»

«نکاح» در لغت مصدر ثلاثی مجرد از ریشه نکح، ینکح است. در لغت به معنای تقابل، سلطه و غلبه، وصول و اختلاط وطی و عقد است. جمعی از واژه‌شناسان معتقدند لغت «نکاح» در اصل به معنای وطی و جماع است، اما در معنای عقد مجازاً به کار رفته است (عمران شافعی، ۱۴۲۱: ۷۵). برخی دیگر معتقدند «نکاح» در اصل به معنای «عقد» است و مجازاً در معنای «جماع» به کار می رود. زیرا در شرع مقدس، «نکاح» عبارت از لفظی است که مُملک و وطی است و این همان معنای مجازی و علاقه سببیت است (شرتونی، ۱۳۹۸: ۱۴۳۴؛ سدیس، ۱۴۲۵: ۲۰۳، به نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲).

فقها در کاربرد لفظ «نکاح» در معنای حقیقی و مجازی سه رأی دارند که به اختصار چنین است:

۱. لفظ «نکاح» در حقیقت به معنای وطء (آمیزش) به کار رفته و در معنای مجازی بر عقد اطلاق شده است. این رأی مذهب حنفیه (ابن مودود، بی تا: ۸۱-۸۳؛ مقدسی، بی تا: ۲۲۳)، و نظری در مذهب شافعیه است (تقی‌الدین الحصنی، ۱۹۹۴: ۳۴۵).

۲. «نکاح» هم در معنای عقد و هم در معنای وطی به صورت حقیقی به کار رفته است. این دیدگاه در مذهب شافعیه (نوی، ۱۴۰۵: ۶۷؛ شیرازی، بی تا: ۴۲۳)، حنابله و حنفیه دیده می شود (شربینی، ۱۹۹۵: ۱۶۵؛ ابن قدامه، ۱۳۹۹: ۳؛ خرشی، بی تا: ۱۶۴).

۳. «نکاح» در معنای حقیقی برای عقد و در معنای مجازی برای وطء به کار می رود.

بررسی تطبیقی شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی و ... / ۱۲۵

این قول جمهور فقهای شافعیه، حنابله و مالکیه است. همین اختلاف در معنای حقیقی و لغوی لفظ «نکاح» موجب شده است در فقه حنفیه زنا سبب حرمت مصاهره شود، در حالی که در شافعیه معتقدند موجب حرمت مصاهره نمی‌شود.

شافعیه می‌گویند عقد نکاح اباحه وطی است که با لفظ «تزووج» صورت می‌گیرد (شریبی، ۱۹۹۵: ۳۰۹). از دیدگاه مالکی‌ها، نکاح همان اباحه وطی است که با حضور دو شاهد عادل تحقق می‌یابد (ابن قدامه، ۱۳۹۹: ۱۲۳؛ سیوطی، ۱۴۲۴: ۴۱۲؛ شریب، ۱۹۹۵: ۱۶۵). حنابله می‌گویند نکاح همان تزووج است (جزیری، بی‌تا: ۸۱۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۴: ۳۰۵).

۳. مفهوم‌شناسی «تمکین»

با توجه به معانی «مکَّن» در قرآن، می‌توان به رابطه کاربرد قرآنی آن و اصطلاح شرعی «تمکین» پی برد؛ زیرا «مکَّن» در قرآن به معنای قدرت بخشیدن، مسلط شدن و تسلط یافتن است. در رابطه زناشویی نیز همین رابطه مد نظر است و از آن به «تمکین» یاد می‌شود که مراد قدرت و تسلط یافتن مرد بر زن در انجام دادن واجبات شرعی و تکالیف زناشویی است (جرجانی، بی‌تا: ۱۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۸: ۷۷۳؛ حلی، ۱۴۰۹: ۲۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۹۳). پس «تمکین» به معنای تواناساختن بر چیزی است و مراد از آن آمادگی زن در برابر شوهر خود است. یعنی زن در هر زمان و مکانی که مناسب باشد تسلیم شوهر شود و از اجابت خواسته وی امتناع نرزد (زبیدی، بی‌تا: ۱۹۶).

احناف نیز معتقدند تمکین یعنی تسلیم شدن زوجه در برابر و طء زوج (نووی، ۱۴۰۵: ۲۴۹). مذاهب شافعی، حنبلی و مالکی نیز همین معنا را قبول دارند. فقط به جای کلمه «وطء» از واژه «استمتاع» استفاده کرده‌اند (زبیدی، بی‌تا: ۱۹۸؛ ابن قدامه، ۱۳۹۹: ۱۲۳). در مذهب امامیه معتقدند تمکین به معنای تن دادن و واگذار کردن نفس به شوهر برای بهره‌وری جنسی است، به طوری که به زمان و مکان خاصی مقید نباشد، مگر اینکه موانع شرعی، عرفی، و عقلی در میان باشد (جبعی عاملی، ۱۳۷۸: ۱۴۰؛ نجفی، ۱۴۱۲: ۲۰۵؛ موسوی خویی، بی‌تا: ۱۰۹).

۳. ۱. تمکین خاص و عام

تمکین خاص به معنای تسلیم شدن زوجه در مقابل زوج برای برقراری ارتباط جنسی

است، در صورتی که مانع موجهی نباشد. مرد نیز به صورت متعارف موظف است با زن رابطه جنسی داشته باشد. اگر ممانعت ورزد برابر مقررات قانونی اعمال نظر می‌شود (شربینی، ۱۹۹۵: ۳۰۹؛ حلی، ۱۹۹۹: ۳). تمکین به معنای عام عبارت است از: اطاعت زن از شوهر برابر عرف و قانون (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۱۳۱؛ گرجی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۸). در فقه شافعی، امور مربوط به تمکین و روابط زناشویی در نکاح را جزء مقصود اصلی نکاح، و شرط خلاف آن را باطل و مبطل عقد می‌دانند (عبدالناصر، بی‌تا: ۱۶۰). چنان‌که گفته شد، «تمکین» در کلام فقهای حنفی و حنابله به معنای برآوردن نیازهای جنسی مرد از طرف زن تعریف شده است. تمکین بر اساس کتاب و سنت، و اجماع فقها، تکلیف و وظیفه شرعی زوجه است. زوجه مکلف به تمکین از همسر خود است (ابن‌رشد قرطبی، ۱۴۲۳: ۴۸)؛ زیرا بر اساس آیه ۲۲۸ سوره بقره: «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» فقها معتقدند در نکاح حقوق زوج مقدم بر حقوق زوجه است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۳۷-۴۵). جصاص می‌گوید: «هر کدام از زوجین حقی دارند؛ اما زوج حقوقی دارد که زوجه چنین حقوقی ندارد». در واقع، این آیه نصی است بر اینکه حقوق زوج در نکاح مقدم بر حقوق زوجه و برتر از آن است. بنابراین، بعد از عقد نکاح تمکین به صورت تکلیفی بر زوجه واجب می‌شود و باید در تمامی امور، به جز آنچه به معصیت منجر می‌شود، از همسرش اطاعت کند (ابن‌قدامة، ۱۳۹۹: ۷۵).

بر اساس آنچه از نظر فقهای مالکی دریافت می‌شود تمکین تکلیف زن است نه حق او؛ چراکه فقها معتقدند تمکین بر زن واجب است و واجب نیز از زیرمجموعه‌های احکام تکلیفی است (مالک، بی‌تا الف: ۱۳۶).

۳. ۲. ادله لزوم تمکین

ادله دال بر لزوم تمکین زوجه از زوج در زندگی زناشویی چنین است:

۱. بهره‌وری از جنس مخالف یکی از نیازهای بنیادی هر انسانی به شمار می‌رود. توجه به این نیاز، پاسخی به نیاز فطری‌ای محسوب می‌شود که یکی از اوامر الهی است. در آموزه‌های اجتماعی اسلام، نهاد نکاح این نیاز را به بهترین وجه ممکن پاسخ می‌دهد.

پس لزوم تمکین، پشتوانه محکمی از ناحیه خدا دارد.

۲. آیات قرآن نیز تمکین را تکلیف دانسته است:

الف. «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لَبَاسُ لَكُمْ ... يَبِينُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»؛ «در شب‌های روزه همخوابگی با زنانان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. خدا می‌داند که شما با خودتان ناراستی می‌کردید. پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس اکنون [در شب‌های ماه رمضان می‌توانید] با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود. سپس روزه را تا [فرارسیدن] شب به اتمام رسانید و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] درنیامیزید. این است حدود احکام الاهی. پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید. این‌گونه خداوند آیات خود را برای مردم بیان می‌کند. باشد که پروا پیشه کنند» (بقره: ۱۸۷).

خداوند، در این آیه، نیاز جنسی را نیازی غریزی معرفی کرده است که باید زوجین آن را پوشش دهند و مانعیتی نیست.

ب. «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ ... إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ «از تو درباره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند. بگو آن رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند از همان جا که خدا به شما فرمان داده است با آنان آمیزش کنید. خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد» (بقره: ۲۲۲). این آیه نیز محدوده تمکین را از دیدگاه شرع بیان کرده است.

ج. «نَسَأُكُمْ حَرْتُمْ لَكُمْ ... وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «زنان شما کشتزار شما هستند. پس از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید و آنها را برای خودتان مقدم دارید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده» (بقره: ۲۲۳). این آیه نیز به لزوم تمکین زوجه از زوج اشاره دارد اما تحت لوای شرع و عقل.

د. «وَالْمُطَلَّعَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ... وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ «و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده پوشیده دارند و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند به بازآوردن آنان در این [مدت] سزاوارترند و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است و مردان بر آنان درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است» (بقره: ۲۲۸).

بدین ترتیب تکالیف متعارف بین زوجین در قبال هم بیان شده است که تأمین نیازهای جنسی یکی از حقوق اساسی طرفین محسوب می شود.

۳.۳ دیدگاه قائل به باطل نشدن نکاح در اثر شرط تمکین نکردن

بر اساس این نظریه، شرط نزدیکی نکردن در نکاح باطل است ولی موجب باطل شدن عقد نکاح نیست و به ارکان اساسی صحت عقد خللی وارد نمی کند. این دیدگاه محل توجه تعداد کمی از فقهای اسلامی بوده و دیدگاه‌های مبتنی بر بطلان شرط مذکور را به علت مخالف بودنش با حکم شرع دانسته‌اند (جبعی عاملی، ۱۳۷۸: ۵۶). در بیان برخی دیگر از فقها، شرط مزبور مخالف قرآن و سنت اعلام شده است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۵۸۹)، بدون اینکه به آیه یا روایتی در این باره استناد شده باشد. در ادامه نیز در تأکید بر بی‌اعتباری شرط یادشده گفته‌اند اصل، برائت ذمه از این شرط است. منظور ابن‌ادریس از عبارات اخیر این است که درباره لزوم تبعیت از شرط مزبور و اینکه آیا تکلیفی را بر عهده مشروط‌علیه ایجاد می کند یا خیر، اصل برائت ذمه است. بدیهی است که اگر منظور چنین باشد استدلال مذکور صحیح نیست. زیرا مجرای اصل برائت فقدان دلیل است. بنابراین، با وجود شرط، استناد به اصل برائت فاقد عمل صحیح شرعی است (الأصل دلیل حدیث لادلایل). برخی دیگر از فقیهان (ابن‌قده، ۱۳۹۹: ۴۵) دلیل اول را اجمالاً مخالف مقتضای عقد دانسته‌اند، بدون اینکه مخالف با مقتضای ذات عقد یا اطلاق عقد را بیان کنند. ولی مراد هر چه باشد استدلال مزبور مردود است. زیرا اگر منظور وی مخالفت با مقتضای ذات عقد باشد که فساد عقد را نیز به همراه دارد، در حالی که او صراحتاً عقد را صحیح می داند. چنانچه مراد او از مخالفت با مقتضای عقد مخالفت با مقتضای اطلاق عقد باشد

بدیهی است این، دلیل فساد شرط نیست. زیرا شرط مخالف مقتضای اطلاق عقد فی نفسه فاقد اشکال بوده، از این حیث از جمله شروط صحیح است. وی دلیل دوم خود را این گونه اقامه کرده که شرط یادشده متضمن اسقاط حقی است که تا قبل از عقد هنوز موجود نشده، در حالی که به موجب شرط در صدد اسقاط آن برآمده‌اند و آن را به اسقاط حق شفعه قبل از بیع تنظیر کرده است (اسقاط مالم یجب) (همان). صرف نظر از صحت و سقم قیاس مزبور این استدلال نیز صحیح نیست. زیرا برای صحت اسقاط حق، تحقق سبب آن کافی است. وضعیت حق ضروری نیست.

از معاصران نیز برخی شرط مزبور را صرفاً در عقد دائم واجد اشکال می‌دانند. آنها عقد را صحیح می‌دانند و صرفاً شرط مذکور را باطل دانسته‌اند. متن استفتاء چنین است: «چنانچه شرط عدم استحقاق باشد، شرط فاسد است. چون خلاف کتاب و سنت است، و اگر شرط عدم فعل، یعنی شرط نزدیکی نکردن باشد، شرطی صحیح است، اما قسم اول شرط باطل است، اما نکاح صحیحی است» (حسینی شاهرودی، تاریخ استفتا ۱۳۷۹/۳/۲۱؛ سبحانی، تاریخ استفتا ۱۳۸۶/۶/۱۲). موسوی خمینی نیز، در کتاب *البیع*، بهره‌وری جنسی را تنها هدف عقد نکاح نمی‌داند و شرط تمکین نکردن را صحیح می‌داند. چون رابطه زوجیت تنها هدف نکاح نیست بلکه اهداف دیگر چون احراز رابطه محرمیت، پرستاری و ... می‌تواند غرضی برای ازدواج باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۲۷۱).

۳.۴. بررسی تطبیقی دیدگاه بطلان شرط تمکین نکردن

بسیاری از فقیهان مذاهب اسلامی معتقدند شرط تمکین نکردن خلاف مقتضای ذات عقد نکاح بوده و با شرایط صحت عقد نکاح مغایرت دارد.

الف. فقه امامیه

یکی از ویژگی‌های شروط صحیح این است که حقی را ضایع نکنند یا حلالی را حرام جلوه ندهد؛ چون شرط تمکین نکردن نوعی سلب حق، و از مصادیق تحریم حلال است. چنانچه در روایتی آمده است: «لَيْسَ لَكَانَ تَحْرِمَ أَحْلَى اللَّهِ»؛ «آنچه را خدا بر شما مباح کرده است بر خود حرام نکنید». پس هر گاه در عقد نکاح همه جوانب بهره‌وری جنسی حذف شود امر مباحی حرام تلقی شده است، اما محدودکردن آن، بنا به اوضاع و

احوال، به ظرف زمان یا مکان خاص طبق توافق زوجین مانعی ندارد (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۳۱؛ حلی، بی تا: ۱۴۲؛ حلی، ۱۹۹۹: ۲۳۶).

ب. فقه حنفیه

طبق دیدگاه این مذهب، شرط صحیح، شرطی را گویند که مقتضای عقد است و مطابق شرع و عرف باشد. مثلاً زن با شوهر شرط کند که نفقه او را بدهد؛ اما شرط غیرصحیح، شرطی است که با هدف از عقد، منافات داشته باشد؛ مثلاً زن با شوهر خود شرط کند که هر وقت خواست، خودش را طلاق بدهد، یا زوج با کس دیگری ازدواج نکند یا از همدیگر ارث نبرند. حکم این شروط آن است که نفس شرط لغو است و اثری در عقد ندارد، اما عقد صحیح است؛ زیرا از نظر فقه‌های حنفی، قاعده‌ای مقرر شده که عقد نکاح با شروط فاسد، باطل نمی‌شود، اگرچه در خصوص شرط تمکین نکردن در کتب اصلی فقه حنفیه، سخنی به میان نیامده است؛ اما با توجه به شواهد و قرائن، حکم به بطلان شروط همانند، می‌توان آن را در ردیف شروط باطل قرار داد (الکاسانی، ۱۹۸۹: ۱۶۹؛ زحیلی، ۱۹۸۹: ۹؛ عبدالناصر، بی تا: ۱۸۹؛ جزیری، ۱۴۱۸: ۸۵؛ شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۰: ۴۵، به نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲).

در کتاب *الدر المختار*، از فقه حنفی، در پاسخ به شرط بهره‌نبردن جنسی آمده است: «چنین شرطی در ضمن عقد نکاح باطل و مبطل است. زیرا هدف از عقد نکاح استمتاع جنسی است و شرط مذکور منافای با هدف نکاح است» (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۷۸۶، به نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲).

ج. فقه مالکیه

مالکی‌ها اگرچه راجع به چنین شرطی در زندگی زناشویی سخنی نگفته‌اند، ولی از بیان حکم به بطلان شروط نظیر آن در ضمن عقد نکاح می‌توان چنین استنباط کرد که این‌گونه شرط کردن باطل است. شرط فاسد، از منظر فقه مالکی، به شرطی گفته می‌شود که با مقصود از نکاح منافات دارد یا با حقوق نکاح ناسازگار است؛ مثلاً زن شرط کند که شب‌ها نزد زوج نباشد و روزها باشد. یا در تقسیم شب‌ها میان همسران عدالت و تساوی را رعایت نکند یا از یکدیگر ارث نبرند یا شرط کنند که نفقه مرد را زن بپردازد یا کار مرد در دست زن باشد. حکم این‌گونه شروط اگر قبل از دخول باشد، مبطل عقد نکاح است، اما چنانچه بعد از دخول باشد، شرط لغو است و به زن مهرالمثل تعلق می‌گیرد (شاطبی، بی تا: ۲۸۴؛ عبدالناصر، بی تا: ۱۹۸، به نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲).

د. فقه شافعی

فقه شافعی امور مربوط به تمکین و روابط زناشویی در نکاح را جزء مقصود اصلی از نکاح می‌داند که شرط خلاف آن، باطل و مبطل عقد است. آنها شروط باطل را به دو قسم تقسیم کرده‌اند:

الف. شرط‌هایی که با مقصود اصلی ازدواج، منافات ندارد، بلکه فقط مغایر مقتضای عقد نکاح است؛ مثلاً زن شرط کند که شوهر همسر دوم اختیار نکند، یا با شوهر خود سفر نکند، یا نفقه زن را ندهد. این‌گونه شرط‌کردن چون با مقصود اصلی نکاح (آمیزش) منافاتی ندارد، فقط شرط باطل است و موجب بطلان عقد نکاح نمی‌شود.

ب. شرط‌هایی که با مقصود اصلی از نکاح منافات دارد؛ مثلاً شرط شود که شوهر اصلاً با همسرش رابطه زناشویی نداشته باشد، یا در سال فقط یک بار زناشویی، یا فقط در شب یا فقط در روز آمیزش داشته باشند. این‌گونه شرط‌ها و امثال آن، چون زوج را از حق مسلم خود محروم می‌کند با مقصود اصلی نکاح منافات دارد و موجب بطلان عقد نیز خواهد بود (شریعی، ۱۹۹۵: ۳۴، به نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲).

شافعی‌ها معتقدند چنین شرطی اگر از طرف مرد باشد، یعنی اگر شوهر با زن شرط کند که مثلاً فقط شب‌ها زناشویی داشته باشد یا آن را محدود به زمان و مکان خاصی کند، هم شرط و هم عقد صحیح است. زیرا شوهر مالک زناشویی شبانه‌روزی است و این حق شوهر است که زناشویی را انجام ندهد (زحیلی، ۱۹۸۹: ۶۵۴۶؛ عبدالناصر، بی‌تا: ۲۱۹، به نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲).

ه. فقه حنابله

از دیدگاه حنابله، شرط غیرصحیح آن است که در خصوص آن از طرف شارع نهی وارد شده باشد یا منافی مقتضای عقد و مخل به مقصود اصلی باشد؛ مثلاً شوهر نفقه‌ندادن را شرط کند یا زن شرط کند که مرد از او متمتع نشود یا شرط عزل کند یا سهم او نسبت به دیگر همسران کمتر یا بیشتر باشد یا شرط کند که در هفته جز یک شب نزد زوج نباشد یا فقط روزها پیش او بیاید نه شب‌ها. این قبیل شروط باطل‌اند. زیرا اولاً؛ با مقتضای عقد نکاح مغایرت دارند؛ ثانیاً؛ «اسقاط ما لم یجب» است؛ یعنی قبل از آنکه عقد نکاح منعقد شود حقوق برآمده از عقد نکاح ساقط شده است (زحیلی، ۱۹۸۹: ۵۶۴؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۲: ۲۲۱، به

نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲). لذا بطلان شرط به عقد سرایت نمی‌کند؛ زیرا شرط، معنایی زاید بر عقد است که عقد بدون آن هم محقق می‌شود؛ مثلاً در صورت جهل به شرط یا شرط کردن مهریه حرام در ضمن عقد نکاح، موجب بطلان عقد نمی‌شود اما شرط باطل است (ابن‌قدامه، ۱۳۹۹: ۵۵؛ البهوتی، ۱۴۱۸: ۱۰۷؛ جزیری، بی‌تا: ۸۷۴، به نقل از: قنبرپور، ۱۳۹۲).

۴. بررسی تأثیر تمکین نکردن زوجه بر انحلال خانواده از منظر اسلام و

روان‌شناسان

خانواده به عنوان رکنی اساسی در حفظ و تحکیم بنیان جامعه تأثیر بسزایی دارد. سلامت و سعادت افراد اجتماع از این نهاد مقدس نشئت می‌گیرد. فرد نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه از نظر عاطفی، روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد، چراکه خانواده جایگاهی است که فرد می‌تواند با تکمیل شخصیت خویش آماده پذیرش نقش‌های اجتماعی شود (Ali, Amorim & Chamorro-Premuzic, 2009). در خانواده‌های شاد و کامروا، اعضا به یکدیگر احترام و محبت دارند و به دنبال کسب سعادت و آرامش برای هم هستند و برای موفقیت یکدیگر می‌کوشند. خانواده موفق اعضای جامعه موفق را تشکیل می‌دهد (ایمانی، ۱۳۹۰). رفتارهای مقبولی که از همسر سر می‌زند می‌تواند روابط مناسب دوطرفه‌ای را شکل دهد و زمینه را برای برقراری تفاهم در بین زوجین ایجاد کند (Rosen-Grandon & et al, 2004). فیشر و مک‌نالتی (Fisher & McNulty, 2008)، رضایت از زندگی مشترک را ناشی از احساس‌های مرتبط با خشنودی، رضایت و تجربه لذت زن یا شوهر با در نظر گرفتن جنبه‌های مشترک زندگی می‌دانند.

از منظر اسلام، آرامش روانی حاصل از ازدواج و مهر و مودت بین زن و شوهر از نشانه‌های الهی به شمار می‌رود (روم: ۲۱). رابطه زناشویی برخلاف روابط اجتماعی، دربردارنده عامل وحدت‌بخش و انسجام‌دهنده است. تداوم رابطه علی‌رغم تضادها و اختلاف منافع و علقه‌های زن و شوهر، از عناصر بسیار مهم در سازگاری دو همسر و تحکیم خانواده، عشق و علاقه متقابل است (معاونت پژوهش، ۱۳۸۶: ۲۳۱). رسول گرامی اسلام (ص)، در پاسخ به زنی به نام حولاء که از وظیفه زن در قبال همسرش پرسید، فرمودند: «ای حولاء! حق زن بر همسرش این است که به خانه‌اش پای‌بند باشد، با او مهربانی کند و محبت بورزد، و دلسوز او باشد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۴۴). رابطه جنسی

سالم موجب رضایت طرفین می‌شود و از نظر روحی و جسمی به عالی‌ترین درجه نشاط می‌رسند و آنها را به آرامش می‌رساند. به همین دلیل، دین اسلام تأکید فراوانی بر آراستگی از نظر ظاهر و لباس و استعمال بوی خوش دارد تا زوجین بتوانند در این رابطه بیشترین لذت را از یکدیگر ببرند. یکی از تأثیرات شگرف و بی‌نظیر تأمین صحیح نیاز جنسی، اعتماد و عزت نفس است. چون هر انسانی به تمجید و تحسین و تکریم احتیاج دارد و اگر از ناحیه جنس مخالف این احساسات درک، و ارضا شود چنین فردی در جامعه روابط اجتماعی حسنه‌ای دارد و از نظر شخصیتی، سالم و بانشاط است. چون دیدگاه مطلوبی به خود دارد. همین دیدگاه نیز راجع به اطرافیان سرایت می‌کند و از تکبر و خودخواهی دور می‌شود. امروزه انبوهی از پژوهش‌ها بیانگر این واقعیت است که بین فقدان روابط زناشویی در خانواده با جنبه‌های مختلف آسیب‌شناسی روانی روابط پیچیده‌ای وجود دارد (Whishman, Uebelacker & Weinstock, 2004). بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که داشتن رابطه زناشویی مناسب آثار مثبت بسیار گسترده‌ای بر سلامت جسمی و روان‌شناختی افراد دارد، که از جمله آنها می‌توان به افزایش سالم و بی‌خطر واکنش‌پذیری فیزیولوژیک، فقدان اختلال در کارکرد سیستم ایمنی بدن، و الگوهای مؤثر و مفید تعاملات زناشویی اشاره کرد. همچنین، در بُعد عاطفی و هیجانی رضایتمندی زناشویی با بسیاری از هیجانات مثبت، آن هم در درجات عالی و مؤثر همراه است که می‌توان به خلق آرام و متعادل و داشتن روابط حسنه اشاره کرد (عابدی‌نیا، بوالهروی و نقی‌زاده، ۱۳۹۴).

متخصصان روان‌شناسی خانواده در بررسی خانواده‌های موفق و کیفیت روابط زناشویی زوجین غالباً معیار خود را سطح رضایت زناشویی آنها قرار می‌دهند (ساروخانی، ۱۳۸۵). هر گاه زوجین به رضایت جنسی برسند موجب بروز احساسات شادمانی از یکدیگر، و درک متقابل می‌شوند که بسیاری از مشاجرات و اختلافات را ریشه‌کن خواهد کرد. وینچ (۲۰۰۲) معتقد است رضایت زناشویی، انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوش‌بختی و سعادت از همدیگر دارند (Mirgain & Cordova, 2007). در جدول ذیل، آمار طلاق در استان کردستان طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان آبان‌ماه ۱۳۹۶، بر اساس آماري که اداره کل ثبت احوال استان کردستان منتشر کرده، آمده است.

آمار طلاق در استان کردستان طی سالهای ۱۳۹۰ الی آبان‌ماه ۱۳۹۶

سال	آمار طلاق	درصد طلاق بر اساس تمکین نکردن زوجه
۱۳۹۶ (فروردین ماه الی آبان‌ماه)	۲۶۹۳	٪۲۳
۱۳۹۵	۴۰۸۰	٪۲۰/۲
۱۳۹۴	۴۰۰۹	٪۱۸/۷
۱۳۹۳	۳۹۳۱	٪۱۶/۸
۱۳۹۲	۳۹۳۲	٪۱۵/۴
۱۳۹۱	۳۴۷۸	٪۱۳/۵
۱۳۹۰	۳۲۷۱	٪۹

دست یابی به علل طلاق در میان زوجین، اقدامی پیچیده و دشوار است، چراکه نمی‌توان فقط یک عامل را در رخ دادن واقعه طلاق مقصر دانست. در موضوع جدایی زوجین با مجموعه‌ای از عوامل روبه‌رو هستیم که باید همه آنها را در یک مجموعه یا اصطلاحاً به صورت جورچینی که همدیگر را تکمیل می‌کنند ببینیم. از سوی دیگر، وجود فرهنگ‌های متنوع و مختلف در سراسر کشور این امکان را نمی‌دهد که بتوان به طور قطع دلایل طلاق را اولویت‌بندی کرد. هنگامی که اظهارات مسئولان دستگاه‌های مختلف، به‌ویژه قوه قضائیه، بهزیستی، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ثبت احوال و معاونت امور زنان را کنار هم می‌گذاریم، می‌توانیم بگوییم فقدان مهارت همسررداری و فقر در سواد همسررداری، نداشتن تفاهم، نارضایتی‌های جنسی، فقدان مسئولیت‌پذیری زوج و زوجه، خیانت، دخالت دیگران و ... در گزارش‌ها و تحقیقات مشهود است. نارضایتی‌های جنسی از جمله عواملی است که در خصوص پدیده طلاق، چشمگیر است. البته به سبب بافت فرهنگی و گاه حیا و عفت، زوجین علت اصلی جدایی خود را، که اغلب به نارضایتی جنسی و تمکین نکردن زوجه مربوط می‌شود، بیان نمی‌کنند. شاید درصد آمار طلاق بیشتر مربوط به همین موضوع باشد، اما به دلایل فوق‌ناده‌گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

درباره شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح، از نظر فقهی حقوقی، دیدگاه‌های متعدد و مخالفی بیان شده که تعدادی آن را باطل ندانسته‌اند، و برخی باطل و مبطل بودن چنین شرطی را به اثبات رسانده‌اند. با مذاقه در استدلال‌های مذکور قول به صحیح نبودن شرط مذکور، درست دانسته می‌شود.

۱. یکی از آثار اساسی و اصلی هر ازدواجی رابطه زوجیت است که آیات قرآن و روایات معصومان تأکیدات فراوانی در این زمینه دارند.

۲. اگر زن در ازدواج دائم تمکین نکند، ناشزه محسوب می‌شود و حق نفقه از او ساقط می‌شود. چون لازمه هر نکاحی در عرف و شرع وجود رابطه زوجیت بین زوجین است و التزام به چنین رابطه‌ای موجب استحکام زندگی می‌شود.

۳. اگر تمکین نکردن زوجه، به صورت شرط ضمن عقد ذکر شود، نتایج خاص خود را به دنبال دارد که بررسی و تبیین شده است.

۴. اگر زوجه در عقد نکاح شرط تمکین نکردن را درج کند، چون خلاف شرع و موازین اسلامی و عرف است و اثر ظاهری عقد، یعنی فرزندآوری، را رد می‌کند، پس چنین شرطی مشروعیت ندارد و خلاف مقتضای ذات عقد نکاح است.

۵. شرطی که مبنای شرعی و عرفی و عقلانی نداشته باشد و رکنی از ارکان عقد را مخدوش کند، نه تنها باطل است بلکه مبطل نیز محسوب می‌شود و مهم‌ترین مظهر شناسایی مقتضای ذات هر عقدی عرف جامعه است.

۶. یکی از اموری که در استحکام خانواده تأثیر بسزا دارد و عالمان دین و روان‌شناسان بر آن صحنه گذاشته‌اند رضایت زناشویی زوجین از یکدیگر است که آثاری همچون روابط اجتماعی خوب، آرامش و عزت نفس و پویایی زندگی را در پی دارد.

۷. پیشنهاد ما به قوه محترم قضاییه این است که برای جلوگیری از انحلال خانواده‌ها با عنایت به سیر صعودی آمار طلاق، که نشئت گرفته از فقدان رابطه زوجیت بین زوجین است، در ذیل مباحث مربوط به شرایط ضمن عقد در قباله ازدواج، طرفین را از شرط تمکین نکردن و عواقب آن آگاه کنند.

منابع

قرآن کریم.

ابن ادریس، ابو جعفر محمد بن منصور بن احمد (١٤١٠). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: مؤسسة نشر الاسلامی، الطبعة الثانية، ج ٢.

ابن تیمیه، عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن عمر ابو البركات (١٤٠٤). *المحرر فی الفقه علی مذهب الامام بن حنبل*، ریاض: مكتبة المعارف.

ابن رشد قرطبي، ابو الوليد محمد بن احمد (١٤٢٣). *بداية المجتهد ونهاية المقتصد*، القاهرة: دار الحديث.
ابن عابدين، محمد امين (١٤١٢). *رد المختار علی الدر المختار*، مصر: مطبعة مصطفى الباني الحلبي، الطبعة الثانية.

ابن فارس، احمد (١٣٩٩). *معجم مقاييس اللغة*، بيروت: دار الفكر.

ابن قدامه، عبد الله بن احمد (١٣٩٩). *المعنى*، بيروت: دار الكتب العربي.

ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤٠٥). *لسان العرب*، بيروت: دار احیاء التراث العربي.

ابن مودود الموصلي، عبد الله بن محمود (بی تا). *الاحیاء لتعلیل المختار*، بی جا: بی تا.

ازهری، محمد ابن احمد (بی تا). *تهذیب اللغة*، اعداد: مكتبة الشاملة.

افروز، غلام علی (١٣٨٦). *روان شناسی خانواده: همسران برتر*، تهران: انجمن اولیا و مربیان، چاپ نهم.

انصاری، مرتضی (١٤١٠). *المکاسب*، بيروت: مؤسسة النعمان.

ایمانی، محسن (١٣٩٠). *ارتباط با خانواده همسر*، اصفهان: حدیث راه عشق، چاپ سوم.

بابرتی، محمد بن محمد (بی تا). *العناية شرح الهداية*، بيروت: دار الفكر.

بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤٢٢). *الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله ﷺ و سنته و ایامه*، بيروت: دار ابن کثیر، الطبعة الثالثة.

البهوتي، منصور ابن یونس (١٤١٨). *کشاف القناع*، بيروت: دار الكتب العلمية، ج ٤.

تسخیری، محمد علی (٢٠٠٦). *مجلة مجمع الفقه الاسلامی*، جدة: منظمة مؤتمر الاسلامی.

تقی الدین الحصنی، ابو بکر محمد بن عبد المؤمن بن حزیر بن معلی (١٩٩٤). *کفاية الاختيار فی غاية الاختصار*، دمشق: دار الخیر.

تقی یار، زهرا؛ پهلوان زاده، فرشاد؛ سماوی، سید عبدالوهاب (١٣٩٥). «تأثیر طرح اواره درمائی بر سرخوردگی زناشویی زنان متأهل»، در: *زن و مطالعات خانواده*، ش ٩ (٣٤)، ص ٤٩-٦٣.

جبعی العاملی، زین الدین بن علی (١٣٧٨). *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية*، قم: دلیل ما، ج ٢.

جرجانی، ابو بکر عبد القاهر بن عبد الرحمن (١٤١٩). *التعريفات*، بيروت: دار الفكر.

جرجانی، ابو بکر، عبد القاهر عبد الرحمن (بی تا). *التعريفات*، بيروت: دار الفكر.

بررسی تطبیقی شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی و ... / ۱۳۷

- جزیری، عبد الرحمن (بی تا). *الفقه علی المذاهب الاربعه*، بیروت: دار الاسلامیة التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). *الصحاح*، مصر: دار الکتب العربیة.
- حجت پناه، مینا؛ رنجبر کهن، زهره (۱۳۹۲). «رابطه رضایت جنسی، رضایت زناشویی و رضایت زندگی زوجین»، در: *چشم انداز امین در روان شناسی کاربردی*، دوره ۱، ش ۱، ص ۵۳-۶۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البیت.
- حسینی شاهرودی، سید محمد (۱۳۷۹/۳/۲۱). *استفتاء*، <http://www.shahroudi.com/Portal.aspx?>
- حلی (فخر المحققین)، ابو طالب محمد بن حسین (۱۹۹۹). *سرائع الاسلام*، نجف: مطبعة الآداب.
- حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۹). *سرائع السلام*، نجف: مطبعة الآداب.
- حلی، جمال الدین حسن بن یوسف (بی تا). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- خرشی، محمد بن عبد الله (بی تا). *شرح الخرشی علی المختصر سید خلیل*، قاهره: دار الکتب الاسلامی.
- دردیری، ابو البرکات احمد بن حمزه (بی تا). *الشرح الصغیر علی مختصر خلیل*، بیروت: دار المعرفة.
- دسوقی، محمد بن احمد (بی تا). *حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر*، بی جا: دار الفکر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*، تهران: سیروس.
- رازی، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۵). *مختار الصحاح*، تحقیق: احمد شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۸). *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- زحیلی، وهبة (۱۹۸۹). *الفقه الإسلامی وادلته*، دمشق: دار الفکر، الطبعة الثالثة.
- زیدان، عبد الکریم (۱۴۱۷). *المفصل*، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- زبیدی، مرتضی (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الهدایة.
- ساروخانی، محمد (۱۳۸۵). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*، تهران: سروش، چاپ هفتم.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۶/۶/۱۲). *استفتاء*، <http://tohid.ir/fa/index/book?bookID>
- سدیس، محمد بن عبد العزیز (۱۴۲۵). *مقدمات نکاح*، مدینة: الجامعة الاسلامیة.
- سرخسی، محمد بن ابی سهل (۱۴۰۶). *المبسوط*، بیروت: دار المعرفة.
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۴). *معجم مقالید العلوم*، قاهره: مکتبة الآداب.
- شاطبی، ابو اسحاق (بی تا). *الموافقات*، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- شربینی، شمس الدین محمد احمد بن احمد (۱۹۹۵). *معنی المحتاج*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شرتونی، سعید (۱۳۹۸). *اقرب الموارد*، بیروت: دار الفکر.
- شیخ الاسلامی، سید اسعد (۱۳۷۰). *احوال شخصیه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- شیرازی، ابوالحسن (بی تا). *المهذب*، بیروت: دار الفکر.

- صاحب بن عباد (بی تا). *المحیط*، بیروت: دار العلم.
- صفایی، سید حسن؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۱). *مختصر حقوق خانواده*، تهران: میزان.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط*، تهران: المكتبة المرتضوية.
- عابدی نیا، نسرین؛ بولهری، جعفر؛ نقی زاده، محمدمهدی (۱۳۹۴). «مقایسه عوامل زمینه ساز طلاق بر حسب جنسیت»، در: *مطالعات روان شناختی*، ش ۱۱، ص ۱۴۱-۱۷۷.
- عبد الناصر، جمال (بی تا). *موسوعة الفقه الاسلامی*، مصر: مجلس الاعلی للشئون الاسلامیة.
- عمران الشافعی، یحیی بن ابی الخیر (۱۴۲۱). *البيان فی مذهب الامام شافعی*، بیروت: دار المنهاج.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *العین*، قم: مؤسسه دار الهجرة، مطبعة صدر، الطبعة الثانية.
- قنبرپور، بهنام (۱۳۹۲). بررسی شرط عدم تمکین و عدم باروری در فقه و حقوق، پایان نامه، استاد راهنما: ابوالقاسم نقیعی، تهران: دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *حقوق خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ سوم، ج ۱ و ۲.
- الکاسانی، علاء الدین (۱۹۸۹). *بدائع الصنائع*، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الثانية.
- گرجی، ابوالقاسم؛ صفایی، سید حسین؛ عراقی، عزت الله؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، تهران: دانشگاه تهران.
- مالک بن انس (بی تا الف). *مدونة الكبرى*، بیروت: دار صادر.
- مالک بن انس (بی تا ب). *الموطأ*، بی جا: المكتبة العلمیة.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵). *حقوق خانواده*، تهران: نشر علوم اسلامی، چاپ پنجم.
- مرغینانی، ابو الحسن علی ابن ابی بکر (بی تا). *الهدایة*، بیروت: مكتبة الاسلامی.
- معاونت پژوهش (گروه روان شناسی) (۱۳۸۶). *تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
- مقدسی، عبد الرحمن (بی تا). *الشرح الكبير على متن المقنع*، بیروت: دار الكتاب العربی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*، تهران: مكتبة الاعتماد.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). *فقه خویی*، قم: دار الهادی، چاپ سوم.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). *مصباح الفقاهة*، قم: مكتبة الداوری، الطبعة الاولى.
- نایینی، محمدحسین (۱۳۷۳). *منیة الطالب فی حاشیة المكاسب*، تهران: المكتبة المحمدیة.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲). *جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد (۱۴۱۷). *عوائد الايام فی بیان قواعد الاحکام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*، قم: آل البيت علیهم السلام.

بررسی تطبیقی شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی و ... / ۱۳۹

نووی، یحیی بن شرف (۱۴۰۵). *روضه الطالبین و عمدة المفتین*، بیروت: المکتب الاسلامی.

Ali, F.; Amorim, I. S.; Chamorro-Premuzic, T. (2009). "Empathy Deficits and Trait Emotional Intelligence in Psychopathy and Machiavellianism", in: *Personality and Individual Differences*, 47: 758–762.

Fisher, T. D.; McNulty, J. K. (2008). "Neuroticism and Marital Satisfaction: the Mediating Role Played by the Sexual Relationship", in: *J FAM Psychol*, 22 (1): 112-22.

Mirgain, S. A.; Cordova, J. V. (2007). "Emotion Skills and Marital Health: The Association between Observed and Self-reported Emotion Skills, Intimacy, and Marital Satisfaction", in: *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26: 983-1009.

Rosen-Grandon, J. R.; Myers, J. E.; Hattie, J. A. (2004). "The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes and Marital Satisfaction", in: *Journal of Counseling and Development*, 82 (1): 58-68.

Whisman, M. A.; Uebelacker, L. A.; Weinstock, L. M. (2004). "Psychopathology and Marital Satisfaction: The Importance of Evaluating Both Partners", in: *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72 (5): 830-838.

Winch, R. F. (2002). *Selected Studies in Marriage and the Family*, 6th Edition, New York: Henry Holt.

References

The Holy Qurān

- Afrūz, Ghulām ‘Alī. 2007. *Rawān Shināsī-yi Khāniwādiḥ: Hamsarān-i Bartar (Family Psychology: Superior Spouses)*, Tehran: Parents and Teachers Community, Ninth Edition. [in Farsi]
- Al-Buhūtī, Manṣūr ibn Yūnus. 1997. *Kashshāf al-Qinā’*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah. vol.4. [in Arabic]
- Al-Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. 1988. *Al-‘Iyn*, Qom: Hijrat Institute, Maṭba‘ah Ṣadr, Second Edition. [in Arabic]
- Ali, F.; Amorim, I. S.; Chamorro-Premuzic, T. 2009. “Empathy Deficits and Trait Emotional Intelligence in Psychopathy and Machiavellianism”. In: *Personality and Individual Differences*, no.47, pp. 758–762.
- Al-Jazīrī, ‘Abd al-Raḥmān. n.d. *Al-Fiḥ ‘Alā al-Madhāhib al-Arba‘ah (Jurisprudence based on the Four Schools of Thought)*, Beirut: Dār al-Islāmīyah al-Turāth al-‘Arabī. [in Arabic]
- Al-Kāsānī, ‘Alā’ al-Dīn. 1989. *Badā’i’ al-Ṣanā’i’*, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī, Second Edition. [in Arabic]
- Anṣārī, Murṭiḍā. 1989, *Al-Makāsib (Businesses)*, Beirut: Al-Nu‘mān Institute. [in Arabic]
- Azharī, Muḥammad ibn Aḥmad. n.d. *Tahdhīb al-lughah (Refinement of Language)*, n.p: Maktabah al-Shāmilah. [in Arabic]
- ‘Abd al-Nāṣir, Jamāl. n.d. *Musū‘ah al-Fiḥ al-Islāmī (Encyclopedia of Islamic Jurisprudence)*, Edypt: The Supreme Assembly for Islamic Affairs. [in Arabic]
- ‘Ābidī-nīyā, Nasrīn; Bulhirī, Ja‘far; Naqī-zādiḥ, Muḥammad Mahdī. 2015. “Muqāyisih-yi ‘Awāmil-i Zamīnih-sāz-i Talāq Barḥasab-i Jinsīyat (Comparison of the Underlying Factors of Divorce by Gender)”. In: *Muṭālī‘āt-i Rawān Shinākhtū*, no.11, pp.141-177. [in Farsi]
- Bābirtī, Muḥammad ibn Muḥammad. n.d. *Al-‘Ināyah Sharḥ al-Hidāyah*, Beirut: Dār al-Fikr. [in Arabic]
- Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā‘īl. 2001. *Al-Jāmi‘ al-Musnad al-Ṣaḥīḥ al-Mukhtaṣar min Umūr Rasūl Allah wa Sunaniḥ wa Ayyāmih (The Brief and Authentic Collection of the Prophet’s Affairs, Traditions and Days)*, Beirut: Dār ibn Kathīr,

Third Edition. [in Arabic]

Dardīrī, Abū al-Barakāt Aḥmad ibn Ḥamzah. n.d. *Al-Sharḥ al-Ṣaghīr ‘alā Mukhtaṣar Khalīl*, Beirut: Dār al-Ma‘rifah. [in Arabic]

Deputy of Research (Department of Psychology). 2007. *Taqwīyat-i Nizām-i Khāniwādih wa Āsīb Shināsī-yi Ān (Strengthening the Family System and Its Pathology)*, Qom: Imam Khūmiyānī Education and Research Institute, Second Edition. [in Farsi]

Dihkhudā, ‘Alī Akbar. 1998. *Lughat Nāmih (Lexicon)*, Tehran: Sīrūs. [in Farsi]

Dusūqī, Muḥammad ibn Aḥmad. n.d. *Ḥāshīyah al-Dusūqī ‘alā al-Sharḥ al-Kabīr*, np: Dār al-Fikr. [in Arabic]

Fisher, T. D.; McNulty, J. K. 2008. “Neuroticism and Marital Satisfaction: the Mediating Role Played by the Sexual Relationship”. In: *J FAM Psychol*, 22 (1), pp. 112-22.

Gurjī, Abu al-Qāsim; Ṣafāyī, Siyyid Ḥusayn; ‘Arāqī, ‘Izzatullāh; Imāmī, Asadullāh. 2013. *Barrīsī-yi Taṭbīqī-yi Ḥuqūq-i Khāniwādih (Comparative study of family rights)*, Tehran: University Tehran. [in Farsi]

Ḥillī, (Fakhr al-Muḥaqqiqīn) Abū Ṭālib Muḥammad ibn Ḥusayn. 1999. *Sharā’i‘ al-Islam (Rulings of Islam)*, Najaf: Maṭba‘ah al-Ādāb. [in Arabic]

Ḥillī, Ja‘far ibn al-Ḥasan. 1988. *Sharā’i‘ al-Islam (Rulings of Islam)*, Najaf: Maṭba‘ah al-Ādāb. [in Arabic]

Ḥillī, Jamāl al-Dīn Ḥasan ibn Yūsūf. n.d. *Mukhtalif al-Shī‘ah fī Aḥkām al-Sharī‘ah (Differences among Shias about the rules of Sharia)*, Qom: Maktab al-A‘lām al-Islāmī. [in Arabic]

Ḥujjat Panāh, Mīnā; Ranjbar Kuhan, Zuhrih. 2013. “Rābiṭi-yi Riḍāyat-i Jinsī, Riḍāyat-i Zanāshūyī wa Riḍāyat-i Zindigī-yi Zujayn (Relationship between Sexual Satisfaction, Marital Satisfaction and Couple Life Satisfaction)”. In: *Chishm Andāz-i Amīn dar Rawān Shināsī-yi Kārburdī (Amīn Perspective in Applied Psychology)*. yr.1. no.1. pp.53-63. [in Farsi]

Ḥurr ‘Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1991. *Wasā’il al-Shī‘ah (Shiite Means)*, Qom: The Prophet’s Household Institute (Mu’assisah Āl al-bayt). [in Arabic]

Ḥusaynī Shāhrūdī, Siyyid Muḥammad .6/10/2000. *Istiftā’ (Inquiry)*, <http://www.shahroudi.com/Portal.aspx?>

Ibn Fāris, Aḥmad. 2020. *Mu‘jam Maqāyīs al-luḡah (Dictionary of Comparative*

- Language*), Beirut: Dār al-Fikr. [in Arabic]
- Ibn Idrīs, Abū Ja'far Muḥammad ibn Maṣṣūr ibn Aḥmad. 1989. *Al-Sarā'ir al-Hāwī li Tahṛīr al-Fatāwī (Secrets of Rule Writing)*, Qom: Islamic Publishing Foundation, Second Edition, vol.2. [in Arabic]
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1984. *Lisān al-'Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Dār Iḥyā al-Turāth al-'Arabī. [in Arabic]
- Ibn Mawdūd al-Mūṣilī, 'Abdullāh ibn Maḥmūd. n.d. *Al-Akhhbār li Ta'līl al-Mukhtār*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Ibn Qudāmīh, 'Abdullāh ibn Aḥmad. 2020. *Al-Mughnī*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabī. [in Arabic]
- Ibn Rushd. Abū al-Walīd Muḥammad ibn Aḥmad. 2002. *Bidāyah al-Mujtahid wa Nihāyah al-Muqtaṣid*, Cairo: Dār al-Ḥadīth. [in Arabic]
- Ibn Tiymīyih, 'Abd al-Islam ibn 'Abdullāh ibn al-Khiḍr ibn 'Umar ibn Abū al-Barakāt. 1983. *Al-Muḥarrar fī al-Fiqh 'alā Madhhab al-Imam ibn Ḥanbal (A Book on Jurisprudence based on the Doctrine of Imam ibn Ḥanbal)*, Riyadh: Maktabah al-Ma'ārif. [in Arabic]
- Ibn 'Ābidīn, Muḥammad Amīn. 1991. *Radd al-Mukhtār 'Alā al-Durr al-Mukhtār*, Egypt: Maṭba'ah Muṣṭafā al-Bānī al-Ḥalabī, Second Edition. [in Arabic]
- Īmānī, Muḥsin. 2011. *Irtibāṭ bā Khāniwādih-yi Hamsar (Relationship with In-Laws)*, Isfahan: Ḥadīth-i Rāh-i 'Ishq, Third Edition. [in Farsi]
- Jubā'ī 'Āmilī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī, 1999. *Al-Ruḍāh al-Bahīyah fī Sharḥ al-Lum'ah al-Dimishqīyah (The Beautiful Garden in the Explanation of the Damascus Shine)*, Qom: Dalīl-i Mā, vol.2. [in Arabic]
- Juhārī, Ismā'īl ibn Ḥammād. n.d. *Al-Ṣiḥāḥ*, Egypt: Dār al-Kutub al-'Arabīyah. [in Arabic]
- Jurjānī, Abū Bakr 'Abd al-Qāhir ibn 'Abd al-Raḥmān. 1998. *Al-Ta'rīfāt (Definitions)*, Beirut: Dār al-Fikr. [in Arabic]
- Jurjānī, Abū Bakr 'Abd al-Qāhir ibn 'Abd al-Raḥmān. n.d. *Al-Ta'rīfāt (Definitions)*, Beirut: Dār al-Fikr. [in Arabic]
- Kātūzīyān, Nāṣir. 2014. *Ḥuqūq-i Khāniwādih (Family Rights)*, Tehran: Intishār Joint-Stock Company in Collaboration with Bahman Burnā, Third Edition, vol.1 & 2. [in Farsi]

بررسی تطبیقی شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی و ... / ۱۴۳

Khīrshī, Muḥammad ibn ‘Abdullāh. n.d. *Sharḥ al-Khīrshī ‘alā al-Mukhtaṣar Siyyid Khalīl*, Cairo: Dār al-Kutub al-Islāmī. [in Arabic]

Mālik ibn Anas. n.d. A. *Mudawwanah al-Kubrā (The Great Codified)*, Beirut: Dār Ṣādir. [in Arabic]

Mālik ibn Anas. n.d. B. *Al-Mu’aṭṭa’*. n.p: Al-Maktabah al-‘Ilmīyah. [in Arabic]

Mirgain, S. A.; Cordova, J. V. 2007. “Emotion Skills and Marital Health: The Association between Observed and Self-reported Emotion Skills, Intimacy, and Marital Satisfaction”. In: *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26: 983-1009.

Muḥaqqiq Dāmād, Siyyid Muṣṭafā. 2016. *Ḥuqūq Khāniwādih (Family Rights)*, Tehran: Publication of Islamic Sciences, Fifth Edition.

Muqaddasī, ‘Abd al-Raḥmān. n.d. *Al-Sharḥ al-Kabīr ‘alā Matn al-Muqni’*, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī. [in Arabic]

Murghīnānī, Abu al-Ḥasan ‘Alī ibn Abī Bakr. n.d. *Al-Hidāyah (The Guidance)*. Beirut: Maktabah al-Islāmīyah. [in Arabic]

Mūsawī Khumiynī, Rūḥullāh. 2011. *Tahrīr al-Wasīlah*, Tehran: Maktabah al-I’timād. [in Arabic]

Mūsawī Khuyī, Siyyid Abulqāsim. 1989. *Fiqh-i Khuyī*, Qom: Dār al-Hādī, Third Edition.

Mūsawī Khuyī, Siyyid Abulqāsim. n.d. *Miṣbāḥ al-Fiqhah*, Qom: Maktabah al-Dāwarī, First Edition. [in Arabic]

Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1991. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā’i’ al-Islām (The Jewel of the Words in the Explanation of Islamic Law)*, Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. [in Arabic]

Narāqī, Aḥmad. 1996. *‘Awā’id al-Ayyām fī Bayān Qawā’id al-Aḥkām (Profits of Time in the Explanation of the Principles of Rulings)*, Qom: Islamic Propagation Office. [in Arabic]

Nawawī, Yaḥyā ibn Sharaf. 1984. *Ruḍah al-Ṭālibīn wa ‘Umdah al-Muḥīn*, Beirut: Al-Maktab al-Islāmī. [in Arabic]

Nāyīnī, Muḥammad Ḥusīyn. 1994. *Munyah al-Ṭālib fī Ḥāshīyah al-Makāsib*, Tehran: Al-Maktabah al-Muḥammadīyah. [in Arabic]

Nūrī Ṭabarsī, Ḥusīyn. 1987. *Mustadrak al-Wasā’il*, Qom: Āl-i Bayt Institute.

- Qanbarpūr, Bihnām. 2013. *Barrisī-yi Sharḥ-i 'Adam-i Tamkīn wa 'Adam-i Bārwarī dar Fiqh wa Ḥuqūq (Examining the Condition of Sexual Disobedience and Infertility in Jurisprudence and Law)*, Supervisor: Abu al-Qāsim Naqībī, Tehran: Azad University, Science and Research Branch. [in Farsi]
- Rāghib Isfihānī, Ḥusiyūn ibn Muḥammad. 1997. *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qurān*, Beirut: Dār al-Ma'rifah. [in Arabic]
- Rāzī, Muḥammad ibn Abī Bakr. 1994. *Mukhtār al-Ṣiḥāḥ*, Researched by Aḥmad Shams al-Dīn, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyah. [in Arabic]
- Rosen-Grandon, J. R.; Myers, J. E.; Hattie, J. A. 2004. "The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes and Marital Satisfaction". In: *Journal of Counseling and Development*, 82 (1), pp.58-68.
- Ṣafāyī, Siyyid Ḥasan; Imāmī, Asadullāh. 2012. *Mukhtaṣar-i Ḥuqūq-i Khāniwādih (Brief Family Law)*, Tehran: Mīzān. [in Farsi]
- Ṣāhib ibn 'Ibād. n.d. *Al-Muḥīṭ*, Beirut: Dār al-'Ilm. [in Arabic]
- Sarakhsī, Muḥammad ibn Abī Sahl. 1985. *Al-Mabsūṭ (The Extended)*, Beirut: Dār al-Ma'rifah. [in Arabic]
- Sārūkhānī, Muḥammad. 2006. *Muqaddamih-yī bar Jāmi'i Shināsī-yi Khāniwādih (An Introduction to the Sociology of the Family)*, Tehran: Surūsh, Seventh Edition. [in Farsi]
- Shāṭibī, Abū Ishāq. n.d. *Al-Muwāfiqāt*, Beirut: Dār al-Ma'rifah lil-Ṭibā'ah wa al-Nashr. [in Arabic]
- Shīrāzī, Abū al-Ḥasan. n.d. *Al-Muhadhdhab (The Refined)*, Beirut: Dār al-Fikr. [in Arabic]
- Shirbīnī, Shams al-Dīn Muḥammad Aḥmad ibn Aḥmad. 1995. *Mughnī al-Muḥtāj (The Enricher of the Poor)*, Beirut: Dār al-Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [in Arabic]
- Shirtūnī, Sa'īd. 2019. *Aqrab al-Mawārid*, Beirut: Dār al-Fikr. [in Arabic]
- Shiykh al-Islāmī, Siyyid As'ad. 1991. *Aḥwāl Shakhṣīyah (Personal Moods)*, Tehran: University Publication Center, First Edition.
- Sīyūfī, Jalāl al-Dīn 'Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr. 2003. *Mu'jam Maqālīd al-'Ulūm (Dictionary of Science Keys)*, Cairo: Maktabah al-Adab. [in Arabic]
- Sudays. Muḥammad ibn 'Abd al-'Azīz. 2004. *Muqaddamat-i Nikāḥ (Marriage Arrangements)*, Medina: Al-Jāmi'ah al-Islāmīyah. [in Arabic]

بررسی تطبیقی شرط تمکین نکردن زوجه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی و ... / ۱۴۵

Sūnhānī, Ja‘far (9/3/2007), *Istiftā’ (Inquiry)*, <http://tohid.ir/fa/index/book?bookID>.

Taqī al-Dīn al-Ḥiṣnī, Abu Bakr Muḥammad ibn ‘Abd al-Mu‘min ibn Ḥuzayr ibn Mu‘allī. 1994. *Kifāyah al-Akhyār fī Ghāyah al-Ikhtisār*, Damascus: Dār al-Khayr. [in Arabic]

Taqīyār, Zahrā; Pahlīwān Zādīh, Farshād; Samāwī, Siyyid ‘Abd al-Wahhāb. 2016. “Ta’tḥīr-i Ṭarḥwārih-yi Darmānī bar Sarkhurdīgī-yi Zanāshūyī-yi Zanān-i Muti’ahhil (The Effect of Schema Therapy on Marital Frustration of Married Women)”. In: *Zan wa Mīālī‘āt-i Khāniwādih (Women and Family Studies)*, no.9, yr.34, pp.49-63. [in Farsi]

Taskhīrī, Muḥammad ‘Alī. 2006. *Majllih Majma‘ al-Fiqh al-Islāmī (Journal of the Islamic Jurisprudence Association)*, Jeddah: Munzammah Mu‘tamar al-Islāmī. [in Arabic]

Ṭūsī, Abu Ja‘far Muḥammad ibn Ḥasan. 2008. *Al-Mabsūt (The Extended)*, Tehran: Al-Maktabah al-Murtaḍawīyah. [in Arabic]

‘Umrān al-Shāfi‘ī, Yaḥyā ibn Abī al-Khiyr. 2000. *Al-Bayān fī Madhhab al-Imam Shāfi‘ī (Explanation of the Denomination of Imam Shāfi‘i)*, Beirut: Dār al-Minhāj. [in Arabic]

Whisman, M. A.; Uebelacker, L. A.; Weinstock, L. M. (2004). “Psychopathology and Marital Satisfaction: The Importance of Evaluating Both Partners”. In: *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72 (5), pp.830-838.

Winch, R. F. .2002. *Selected Studies in Marriage and the Family*, 6th Edition, New York: Henry Holt.

Ziydān, ‘Abd al-Karīm. 1996. *Al-Mufaṣṣal (The Detailed)*, Beirut: Al-Risālah Institute. [in Arabic]

Zubiydī, Murtdā, n.d. *Tāj al-‘Arūs min Jawāhir al-Qāmūs (Bride Crown from Dictionary Jewels)*, Beirut: Dār al-Hidāyah. [in Arabic]

Zuhīylī, Wahabah. 1989. *Al-Fiqh al-Islāmī wa Adilatih (Islamic Jurisprudence and Its Evidence)*, Damascus: Dār al-Fikr, Third Edition. [in Arabic]